



The Position of Mutafarrid Hadiths of Da'ā'im al-Islam in Imāmī Hadith

Seyyed Hossein Falahzadeh Abargooe¹

1. PhD in Qur'an and Hadith, Kashan University, Kashan. Iran.
Email: falahzadeh.h@gmail.com

DOI: 10.22051/tqh.2023.43743.3886

<p>Article rank: scientific-promotional</p> <p>Received: 12/05/2023</p> <p>Accepted: 02/03/2024</p> <p>Keywords: Da'ā'im al-Islam, Qāḍī Nu'mān, Ismaili Hadith, Imāmī hadith</p>	<p>Abstract: The most important narrative and jurisprudential heritage of the Ismailis is the book <i>Da'ā'im al-Islam</i> by Abu Hanifa Qāḍī Nu'mān al-Maghribī (d. 363 AH). He was the great Ismaili Dā'ī and the judge of the Fatimid Ismaili government. This book contains a large volume of hadiths of Ahl al-Bayt (as) on various jurisprudential issues, of which more than 14 percent are <i>Mutafarrid</i> from the Imāmī hadith and have no trace in any of the existing Imāmī narrative sources. The Irsāl of traditions and its non-Imāmī nature are among the most important factors of neglecting this legacy from the 4th century. Ignoring the evaluation of hadith sanad, this research aims to give a fair judgment of the Ismaili hadith, based on the content analysis and its compatibility with the Imāmī hadith. Searching for the cause of mutafarrid hadiths in the book, it analyzes the influence of these narratives in the teachings of the Imāmīyyah. In conclusion, the mutafarrid hadiths of <i>Da'ā'im al-Islam</i> are compatible with the Imāmī hadiths, and the most important factor of their tafarrud is the special effort of the author to collect the judging hadiths (<i>bāb al-qadā</i>). One of the most important functions of these hadiths in Imāmī jurisprudence is to provide a narrative document for famous fatwas, to complete the understanding of some hadiths, and to bring some new branches of jurisprudence.</p>
--	--





بررسی جایگاه متفردات حدیثی دعائم الاسلام در حدیث امامیه

سید حسین فلاح زاده ابرقوئی^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. fallahzadeh.h@gmail.com

DOI: [10.22051/TQH.2023.43743.3886](https://doi.org/10.22051/TQH.2023.43743.3886)

چکیده: مهمترین میراث روایی و فقهی اسماعیلیان، کتاب دعائم الاسلام نوشته ابوحنیفه قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ق) است. وی داعی بزرگ اسماعیلیه و قاضی القضاة حکومت اسماعیلی فاطمیون بود. این کتاب حاوی حجم گسترده‌ای از روایات اهل بیت علیهم السلام در موضوعات متنوع فقهی است. بیش از چهارده درصد از روایات دعائم الاسلام، نسبت به حدیث امامیه متفرد بوده و در هیچ یک از منابع روایی موجود امامیه اثری از آنها دیده نمی‌شود. ارسال روایات و غیرامامی بودن مؤلف کتاب، از مهمترین عوامل بی‌توجهی به این میراث بازمانده از قرن چهارم به شمار می‌آید. جستار حاضر، با چشم‌پوشی از نقد سندی، قضاوت پیرامون میراث حدیثی شیعیان اسماعیلی را با سنجة نقد محتوایی و تعیین میزان تناسب آن با حدیث امامیه بررسی می‌کند. برای این منظور، ضمن جستجوی علل و زمینه تفرد روایات دعائم الاسلام، به واکاوی تأثیر متفردات حدیثی آن در معارف امامیه پرداخته است. بر اساس نوشتار حاضر، متفردات حدیثی دعائم الاسلام، همسو با معارف حدیثی امامیه بوده و مهمترین عامل تفرد آنها اهتمام ویژه مؤلف به گردآوری روایات "باب قضا" است. از مهمترین کارکردهای این روایات در فقه امامیه می‌توان به ارائه مستند روایی برای فتاوی مشهور، کمک به کامل شدن فهم برخی روایات و بیان برخی فروعات جدید فقهی اشاره نمود.

صص ۱۳۴-۱۰۷

نوع مقاله:

علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۰۵

واژه‌های کلیدی:

دعائم الاسلام،

قاضی نعمان،

متفردات حدیثی،

حدیث اسماعیلیه،

حدیث امامیه.

۱. مقدمه و بیان مسئله

احادیث اهل بیت علیهم السلام، افزون بر منابع روایی امامیه، در آثار حدیثی سایر فرقه‌های شیعه نیز انعکاس یافته است. بخش زیادی از روایات موجود در میراث روایی شیعیان غیرامامی، در حدیث امامیه دارای سابقه است؛ به طوری که برای الفاظ یا مضامین آنها نظائری در منابع روایی امامیه یافت می‌شود. با وجودی که چشم‌پوشی از این دسته روایات، نقصانی در معارف امامیه ایجاد نمی‌کند، اما می‌توان از آنها به عنوان مؤید معارف موجود در منابع امامیه بهره گرفت. صرف نظر از این دسته روایات، برای شمار دیگری از روایات موجود در این منابع، نظیری در حدیث امامیه یافت نمی‌شود که آنها را «متفردات حدیثی» این منابع نسبت به حدیث امامیه می‌شناسیم. با وجود قابلیت این متفردات برای تکمیل و غنای معارف امامیه، بهره‌گیری از آنها به دلیل فساد مذهب مؤلفان، تردیدهایی در پی دارد. به طور مسلم، چشم‌پوشی از معارف موجود در این آثار به بهانه فساد مذهب مؤلفان، شیوه مناسبی برای مواجه با میراث کهن و نصوص تاریخی نیست. از این رو بهتر است به جای برخورد سلبی با مسئله، در جستجوی ضابطه مناسب برای تعامل صحیح با آثار مؤلفان غیرامامی ناقل حدیث اهل بیت علیهم السلام برآمد. در این صورت، مجال پژوهش پیرامون گنجینه‌ای عظیم از میراث امامت، با عنوان حدیث شیعیان غیرامامی، برای اهل تحقیق فراهم خواهد بود.

در همین راستا، نوشتار حاضر به تأثیر متفردات حدیثی اسماعیلیان در معارف حدیثی امامیه می‌پردازد. مهم‌ترین میراث روایی و فقهی اسماعیلیان، کتاب دعائم الاسلام نوشته ابوحنیفه قاضی نعمان مغربی است که کتابش حاوی حجم گسترده‌ای از روایات اهل بیت علیهم السلام در موضوعات متنوع فقهی است. نقل حدیث از شش امام نخست و نیز نقش خلفای فاطمی در تألیف و نشر آن، از شواهدی است که انتساب آن به میراث اسماعیلیه را تأیید می‌کند (ر.ک: المغربی، ۱۹۹۶، ص ۳۰۵، ش ۱۵۸؛ حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص

۷۵۵). جستار حاضر، با هدف تعیین میزان همبستگی متفردات حدیثی اسماعیلیه با حدیث امامیه، با محور قرار دادن متفردات حدیثی *دعائم الاسلام*، در پی پاسخ به این پرسش‌ها برآمده است: مواجهه تاریخی فقهای امامیه با روایات *دعائم الاسلام* چگونه بوده است؟ به چه دلیل، شمار قابل توجهی از روایات این کتاب نسبت به حدیث امامیه متفرد است؟ نوع کارکرد و تأثیر روایات متفرد این کتاب در غنای معارف امامیه چیست؟ آیا متفردات این کتاب، همسو با حدیث امامیه و مکمل آن هستند یا در آنها نشانه‌های فساد مذهب به چشم می‌خورد؟

۲. پیشینه

تاکنون پژوهش‌هایی درباره ارتباط حدیث زبده و واقفیه با حدیث امامیه صورت گرفته که محور این پژوهش‌ها واکاوی نقش راویان زیدی و واقفی در انتقال میراث امامت است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به زبده و حدیث امامیه^۱ نوشته اعظم فرجامی و *الواقفیه درآسه تحلیله*^۲ نوشته ریاض محمد حبیب ناصری اشاره نمود. در این میان پیرامون رابطه حدیث اسماعیلیه و حدیث امامیه پژوهشی صورت نگرفته است. در میان پژوهش‌های موجود، کتاب *دعائم الاسلام* موضوع برخی پژوهش‌ها قرار گرفته که در آنها غالباً، اعتبار کتاب با محوریت شخصیت و مذهب مؤلف مورد بحث قرار گرفته است. از جمله می‌توان به پژوهش محدث نوری در *خاتمه مستدرک الوسائل*^۳، مقاله «ارزش و جایگاه کتاب دعائم الاسلام در فقه شیعه»^۴ نوشته علی اکبر کلانتری، و نیز مقاله «دعائم الاسلام از وراى دیدگاه‌ها»^۵ نوشته

۱. فرجامی، اعظم (۱۳۹۳)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث (سازمان چاپ و نشر).

۲. ریاض، محمد حبیب الناصری (۱۴۰۲ق)، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضاعلیه السلام.

۳. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۴. (۱۳۷۷ش)، *مجله فقه*، شماره ۱۵ و ۱۶، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، صص ۳۰۶-۳۳۴.

۵. (۱۳۹۶)، *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۰(۲)، صص ۱۷۷-۲۰۴.

سید مجتبی حسین‌نژاد اشاره نمود. همچنین محمد عافی خراسانی در مقاله‌ای، «سیر تاریخی توجه عالمان امامیه به آثار قاضی نعمان با تأکید بر روزگار پیش از صفویه»^۱ را بررسی کرده که در پژوهش وی به کتاب دعائم الاسلام نیز توجه شده است. نگارنده این سطور نیز در نوشتاری با عنوان «دعائم الاسلام و روایات مخالف با مذهب امامیه»^۲، به شناسایی و تحلیل روایات مخالف با مذهب امامیه در این کتاب پرداخته است.

تلاش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی تنظیم گردیده، به تبیین جایگاه متفردات حدیثی دعائم الاسلام در حدیث امامیه اهتمام دارد که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است. نتایج این کوشش می‌تواند شناخت دقیق‌تری از حدیث اسماعیلیه و جایگاه آن در مقایسه با حدیث امامیه حاصل آورد.

۳. اقسام روایات دعائم الاسلام در مقایسه با میراث روایی امامیه

بر اساس شمارش نرم افزار «جامع الاحادیث ۳/۵»، شمار مجموع روایات دعائم الاسلام، ۳۴۵۵ روایت است. محتوای کمتر از ۵۰ روایت از این مجموعه، با عناوین کتاب وسائل الشیعة تعارض قطعی داشته و با دیدگاه مشهور عالمان امامیه مخالف هستند. نگارنده در نوشتاری مستقل به بررسی و تحلیل این روایات پرداخته و پیشینه آنها را در منابع متقدم جستجو نموده است. با صرفه نظر از این روایات، بیش از ۳۴۰۰ روایت در این مجموعه نقل شده است که می‌توان آنها را در مقایسه با میراث روایی امامیه، به دو گروه تقسیم نمود:

۳-۱. وجود الفاظ روایات در منابع امامیه

الفاظ و عبارات شمار قابل توجهی از روایات دعائم الاسلام در منابع روایی کهن امامیه، نظیر الکافی، من لا یحضره الفقیه و سایر آثار شیخ صدوق، تهذیب الاحکام، الاستبصار، تحف

۱. (۱۴۰۰)، تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۷ (۳۷)، صص ۲۳-۴۶. <https://sid.ir/paper/1063994/fa>

۲. فلاح زاده ابرقویی و محمد کاظم رحمان ستایش (۱۴۰۲)، علوم حدیث، ۲۸ (۴)، مقاله‌های آماده انتشار.

العقول، مسائل علی بن جعفر، قرب الاسناد، الجعفریات، تفسیر العیاشی و ... به صورت دقیق و همانند گزارش شده است؛ به گونه‌ای که تردیدی باقی نمی‌ماند که مؤلف آنها را از منابع و اصول معتبر نزد امامیه گزارش نموده است.

۳-۲. وجود نداشتن الفاظ روایات در منابع امامیه

جستجوی تطبیقی روایات دعائم الاسلام با منابع روایی امامیه نشان می‌دهد الفاظ شمار قابل توجهی از روایات آن در هیچ یک از منابع موجود امامیه یافت نمی‌شوند؛ به گونه‌ای که در نگاه اولیه گمان می‌شود بیشتر این موارد، پیشینه‌ای در منابع امامیه نداشته و به دعائم الاسلام اختصاص دارند. این دسته از روایات را در مقایسه با حدیث امامیه می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) معنا مشترک و الفاظ متفاوت: مقایسه محتوا و مفهوم شمار فراوانی از روایات دعائم الاسلام با حدیث امامیه بیانگر آن است که همان روایت با الفاظ متفاوت در دعائم الاسلام گزارش شده است. این تفاوت‌ها، گاهی به خاطر گزارش دو ماجرای مشابه و گاهی به خاطر نقل یک حدیث با الفاظ متفاوت است. در دعائم الاسلام، به موارد فراوانی می‌توان اشاره نمود که نظیر آنها با الفاظ متفاوت در منابع روایی امامیه نقل شده است.^۱

ب) مضمون مشترک، لفظ و معنا متفاوت: شماری از روایات موجود در دعائم الاسلام، از نظر لفظ و معنا نظیری در منابع روایی امامیه ندارد. در عین حال، مضامین همسو و موافق با آنها در شماری از روایات امامیه تکرار شده است؛ به طوری که روایات دارای موضوعات فقهی را می‌توان با عناوین وسائل الشیعة تطبیق داد و به عنوان مستدرکات

۱. برای نمونه مقایسه کنید: دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۹۷ ح ۳۰۸ و تهذیب الأحکام: ج ۸ ص ۲۸۲ ح ۲۳؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۹۹ ح ۳۱۷ و النوادر (الاشعری): ص ۳۶ ح ۴۷؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۰۵ ح ۳۳۴ و الکافی: ج ۴ ص ۵۷ ح ۵؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۰۵ ح ۳۳۶ و المحاسن: ج ۲ ص ۳۸۸ ح ۱۱؛

این کتاب از آنها یاد نمود. اما به روایات فراوانی نیز می‌توان اشاره نمود که نظیری در منابع روایی امامیه ندارند ولی مضمون آنها در روایات موجود در کتاب‌های ایشان وجود دارد^۱. هر چند این روایات در حدیث امامیه سابقه نداشته و تنها از طریق دعائم الاسلام به ما رسیده‌اند، ولی مضمون و پیام آنها در حدیث امامیه دارای سابقه و پیشینه است. به همین دلیل، آنها را از متفردات قاضی نعمان به شمار نمی‌آوریم. از این روایات می‌توان به عنوان مؤید برای حدیث امامیه یاد نمود.

ج) بدون سابقه در حدیث امامیه: لفظ و مضمون شمار قابل توجهی از روایات دعائم الاسلام، در حدیث امامیه سابقه ندارد. در عین حال، محتوای این روایات در راستای معارف امامیه است و مخالفتی با سایر روایات ایشان ندارد. با توجه به اینکه این روایات در حدیث امامیه سابقه‌ای نداشته و به کتاب دعائم الاسلام اختصاص دارند، از آنها با عنوان «متفردات حدیثی دعائم الاسلام نسبت به حدیث امامیه» یاد می‌کنیم.

در پژوهش حاضر، برای شناسایی روایات متفرد قاضی نعمان، ابتدا با کمک قابلیت مشابهت‌یابی نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵، روایاتی که الفاظشان در کتاب‌های حدیث امامیه سابقه ندارد، شناسایی گردید. سپس محتوای این روایات با عناوین کتاب *وسائل الشیعة* مقایسه شد تا روایاتی که معنا یا مضمون آنها در حدیث امامیه موجود است، متفرد تلقی نگردند. برای این منظور، ضمن توجه به عناوین *وسائل الشیعة*، از پژوهش محدث نوری در *مستدرک الوسائل* نیز بهره گرفتیم و هر روایت از دعائم الاسلام که ایشان مناسب با عناوین *وسائل الشیعة* دانسته و به عنوان مستدرک آورده بود، از متفردات قاضی نعمان کنار

۱. برای نمونه مقایسه کنید: دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۳۸ ح ۴۸۵ و الکافی: ج ۳ ص ۹۰ ح ۵؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۵۲۵؛ المحاسن: ج ۲ ص ۵۵۱ ح ۸۸۹؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۵۵ ح ۵۵۱ و الخصال: ص ۶۱۳؛ دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۵۹۶ و عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج ۱ ص ۲۷۸ ح ۷۸؛ و

گذاشتیم. در نهایت برای اطمینان بیشتر از تفرّد روایات گردآوری شده، به جستجوی مجدد نتایج دو مرحله پیش در منابع کهن روایی و فقهی امامیه، با کمک نرم افزار مکتبه اهل البیت علیهم السلام پرداختیم. با سپری کردن این سه مرحله، بیش از پانصد روایت از دعائم الاسلام به عنوان متفرّدات این کتاب نسبت به حدیث امامیه شناخته شد که در موضوعات فقهی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده‌اند.

۴. رویکرد فقهای امامیه به کتاب دعائم الاسلام

رویکرد فقهای امامیه به کتاب دعائم الاسلام را باید در دو برهه از تاریخ بررسی نمود: برهه نخست از زمان تألیف تا پیدایش جریان اخباری‌گری، و برهه دوم از زمان اوج‌گیری جریان اخباری‌گری تا زمان حاضر است. با وجودی که در دوره اخیر از کتاب و روایاتش به صورت چشمگیر در آثار عالمان امامی یاد شده است؛ شاهد رویکردهای مختلفی از سوی فقهای امامیه در مواجهه با این کتاب هستیم:

الف) بر اساس رویکرد نخست، مؤلف کتاب از عالمان اثناعشری بوده و کتابش از منابع معتبر فقه امامیه است. به همین دلیل می‌توان از آن در ردیف سایر منابع فقه امامیه بهره گرفت (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۴؛ النوری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۷؛ اراکی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۰۰). علامه مجلسی با وجودی که مؤلف را امامی دانسته و بیشتر اخبار آن را با کتاب‌های اصحاب موافق می‌داند، جانب احتیاط پیش گرفته و جایگاه آن را صرفاً شایستگی برای «تأیید و تأکید» حدیث امامیه مطرح نموده است (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۸). شیخ انصاری با دیدگاه علامه مخالفت نموده و جایگاه کتاب را فراتر از شایستگی برای تأیید و تأکید دانسته است. به باور ایشان ارسال موجود در اخبار کتاب قابل جبران است (الشیخ الانصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۴۷۱). به همین دلیل در آثار فقهی خود، به روایات آن در ردیف سایر روایات استناد نموده است.

ب) رویکرد دوم مربوط به کسانی است که کتاب را از منابع قابل اعتماد ندانسته و استناد به روایات آن را برای استدلال‌های فقهی شایسته نمی‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۴؛

ج ۴، ص ۱۳۸؛ ج ۷، ص ۲۷۰؛ النجفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۰۹؛ ج ۴، ص ۳۴۸). در عین حال استناد به روایات آن را، برای تأیید برخی اخبار و یا اثبات سنن روا دانسته و در موارد متعدد به آن استناد کرده‌اند. این دیدگاه در بین فقهای معاصر طرفدارانی دارد؛ برخی با وجودی که ارسال روایات آن را عامل معتبر نبودن کتاب دانسته‌اند، در آثار فقهی خود به صورت متعدد از کتاب و روایاتش به عنوان مؤید یاد کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۱۸۵؛ خویی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹؛ الموسوی الخمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۶؛ ج ۴، ص ۱۰۱).
 (ج) رویکرد سوم مربوط به کسانی است که کتاب را به کلی از مدارک فقه امامیه خارج دانسته و مطلقاً در آثار خود از آن یاد نکرده‌اند. نمونه بارز این افراد، شیخ حر عاملی (د ۱۱۰۴ق) است که در *وسائل الشیعة* از روایات *دعائم الاسلام* و استناد به آنها خودداری کرده است. برخی نیز همچون فقیه نام‌آشنا، مرحوم فاضل هندی (د ۱۱۳۷ق)، با وجود استناد فراوان به روایات *دعائم الاسلام*، از آوردن نام کتاب و مؤلف آن ابا داشته‌اند^۱.

آنچه مسلم است در این برهه از تاریخ، کتاب *دعائم الاسلام* مورد توجه فقهای امامیه قرار گرفته و با فراز و فرود، در کنار سایر منابع روایی امامیه، به آن استناد شده است. بر خلاف این دوران، یادکرد از *دعائم الاسلام* در منابع نخستین فقه و حدیث امامیه کم فروغ است. از موارد یادکرد از این کتاب، فهرست آثار ابوالفتح محمدبن علی بن عثمان کراچی (د ۴۴۹ق) است که در آن از دو کتاب *مختصر کتاب الدعائم* و *الاختیار من الأخبار* یاد شده است (الطباطبایی، ۱۴۱۶، ش ۴۴، ص ۳۸۰). با این وجود در کتاب‌های فقهی این فقیه برجسته، اثری از روایات *دعائم الاسلام* نمی‌یابیم. هر چند جستجو برای یافتن نام *دعائم الاسلام* و مؤلف آن در منابع فقهی و حدیثی پیش از صفویه نتیجه‌ای نداشت، بر اساس

۱. مرحوم فاضل هندی در *کشف اللثام*، در موارد فراوان، بی آنکه نامی از *دعائم الاسلام* ببرد، به روایات این کتاب، با تعابیری نظیر «وما ارسل فی بعض الکتب» و «روی فی بعض الکتب» استناد نموده است (برای نمونه ر.ک: الفاضل الهندی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۲۵۱، ص ۲۸۴، ص ۲۹۹، ص ۳۰۹، ص ۳۱۳، ص ۳۱۸، ص ۳۶۵ و ...).

برخی قرائن، شماری از فقه‌های امامیه این دوران، کتاب را در اختیار داشته و در مواردی به روایات آن استناد نموده‌اند. این افراد که از تصریح به نام مؤلف و کتابش پرهیز داشته و تنها در مواردی از روایاتش نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۴-۱. قاضی ابن براج (د ۴۸۱ق)

از کتاب‌های فقهی برجای مانده از قاضی ابن براج، *المهذب فی الفقه* است. او در این کتاب در صدد بیان فروع فقهی است و در صدد بیان متن روایات و منابع آنها به شیوه کتب روایی نیست. با وجودی که در این کتاب از قاضی نعمان نام نبرده، نشانه‌های بهره‌گیری از *دعائم الاسلام* مشهود است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) قاضی نعمان در کتاب *دعائم الاسلام*، بابی را با عنوان «کتاب القسمة و البنیان» آورده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۹۹). مطالب این باب از متفردات قاضی نعمان است و در هیچ یک از آثار روایی و فقهی نظیر آن یافت نمی‌شود. تنها کسی که در کتاب خود از این عنوان بهره گرفته و مطالب کتاب قاضی نعمان را در ذیل آن انعکاس داده، قاضی ابن-براج است (ابن البراج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۷۳). او در کتاب *المهذب*، محتوای روایات *دعائم الاسلام* را به صورت فروع فقهی، با قلمی شبیه به عبارات *دعائم*، گزارش کرده است. این احتمال وجود دارد که ایشان از خلاصه *دعائم* یا *الاخبار* بهره گرفته باشد.

ب) قاضی نعمان در *دعائم الاسلام*، بابی را با عنوان «کتاب الطب» آورده که در آن روایات را در عناوین «التشفی بأعمال البر»، «التعوید و الرقی»، «العلاج و الدواء» دسته‌بندی کرده است. در میان کتب فقهی و حدیثی امامیه، تنها ابن براج و ابن ادریس بابی را با عنوان «کتاب الطب و الاستشفاء بالبر و فعل الخیر» آورده‌اند. بررسی تطبیقی روایات *المهذب* و *السرائر* در این باب، با روایات *دعائم الاسلام* بیانگر درصد بالای مشابهت بین آنها است. از سویی شماری از روایات *دعائم الاسلام* در این باب، در هیچ منبعی از آثار امامیه یافت نشده

و تنها در *المهذب و السرائر* ذکر شده‌اند^۱. این قرائن نشان می‌دهد ابن‌براج و ابن‌ادریس این روایات را از *دعائم الاسلام* اخذ کرده‌اند. البته این احتمال وجود دارد که ابن‌ادریس مطالب این باب را از کتاب *المهذب* گرفته باشد. در مورد دسترسی ابن‌ادریس به کتاب *دعائم الاسلام* در ادامه سخن خواهیم گفت.

ج) قرینه دیگر، استفاده ابن‌براج از توضیحات قاضی نعمان در شرح برخی روایات است. به عنوان نمونه، قاضی نعمان در شرح واژه «عجوة» و بیان شیوه استفاده از آب قارچ برای درمان بیماری چشم، به گفته زیدبن‌علی در ذیل روایات مربوطه استناد کرده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۷). ابن‌براج نیز در ذیل همین روایات، توضیحات زیدبن‌علی را مطابق با عبارات *دعائم الاسلام* آورده است (ابن‌البراج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۴۴ و ۴۴۵).

د) افزون بر شواهد فوق، برخی روایات متفرد قاضی نعمان، تنها در *المهذب* ذکر شده و در هیچ یک از منابع فقهی و روایی امامیه گزارش نشده است (به عنوان نمونه ر.ک: المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۶ ح ۱۲۳۰، ص ۳۲۷ ح ۱۲۳۴، ص ۳۴۰ ح ۱۲۸۰ و ...).

۴-۲. ابن‌ادریس حلی (د ۵۹۸ق)

بر اساس برخی قرائن، ابن‌ادریس حلی در نگارش کتاب *السرائر*، به روایات *دعائم الاسلام* توجه داشته و برخی نظرات قاضی نعمان را در کتاب خود انعکاس داده است. واضح‌ترین شاهد این مدعا، کلام ابن‌ادریس در باب آداب تجارت است. او در این باب، به روایتی درباره نهبی از معامله شهرنشینان با بادیه نشینان اشاره کرده و در توضیح این روایت، به کلام «بعض المصنفین» اشاره کرده و توضیحات او را به نیکویی ستوده است (ابن‌ادریس الحلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۳۴). عبارت مربوط به «بعض المصنفین» در کتاب *دعائم الاسلام*، ذیل روایت «نَهَى أَنْ يَبِيعَ الْحَاضِرُ اللَّبَادِيَّ»، بدون اندک تغییری آمده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج

۱. از متفردات قاضی نعمان در کتاب الطب، که تنها در این دو کتاب یافت می‌شوند، می‌توان به نمونه‌هایی اشاره نمود (ر.ک: المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۱ ح ۴۹۱، ص ۱۴۲ ح ۴۹۶، ص ۱۴۹ ح ۵۳۰، ص ۱۵۰ ح ۵۳۸).

۲، ص ۳۰). از این رو، ابن‌ادریس *دعائم الاسلام* را در اختیار داشته و به آراء مؤلف آن توجه نموده است. در عین حال از آوردن نام او خودداری کرده است. افزون بر این دو تن، می‌توان از معین‌الدین مصری یاد نمود^۱. افندی، کتاب *المعونة فی الفرائض یا رسالة فی الفرائض* را به او نسبت داده که در آن بارها از کتاب‌های صاحب *دعائم الاسلام* نقل شده است (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۱۰ - ۴۱۱). شواهدی از این دست حاکی از آن است که یادکرد از *دعائم الاسلام* و استناد به آن در میان امامیه، امر نوظهوری نیست و این کتاب دور از منظر فقهای امامیه نبوده است. چه بسا عامل تصریح نشدن به نام آن در آثار امامیه، انتسابش به فرقه اسماعیلیه و فساد مذهب مؤلف آن باشد. در هر صورت از دوران صفویه به بعد، شاهد تحول جدی در اقبال به کتاب *دعائم الاسلام* در میان فقهای امامیه هستیم.

۵. شاخصه متفردات *دعائم الاسلام*

بر اساس معیارهایی که در مقدمه بیان شد، بیش از ۵۰۰ روایت متفرد در *دعائم الاسلام* شناسایی گردید که به جز باب صید، در ۳۵ باب دیگر این کتاب پراکنده هستند. فراوانی متفردات در ابواب مختلف یکسان نیست؛ به طوری که در برخی از ابواب، درصد بالایی از روایات ذکر شده، نسبت به مجموع روایات آن باب متفرد هستند. به عنوان نمونه در کتاب «القسمة و البنیان»، از ۳۱ روایتی که در مجموع باب ذکر شده، ۳۰ روایت متفرد هست که درصد بالایی از مجموع روایات باب را شامل می‌شود. بالا بودن درصد تفرد در یک باب به این معنا است که در مجموع مطالب آن باب، خصوصیتی است که مؤلف، آن را متفاوت با سایر محدثان تنظیم نموده است. به بیان دیگر، موضوع باب دارای ویژگی‌هایی است که به موجب آن، مؤلف روایاتی را برگزیده است که دیگران به آنها اهتمام نداشته‌اند. به همین دلیل، در دیگر آثار حدیثی یادی از آنها به میان نیامده و به مؤلف کتاب اختصاص یافته‌اند.

۱. او از شاگردان ابن‌زهره حلبی (د ۵۸۵ق)، صاحب *غنیة النزوع* و از اساتید خواجه نصیر الدین طوسی (د ۶۷۲ق) است. از این رو او را باید از عالمان قرن ششم و هفتم به شمار آورد.

بر اساس جستجوی نگارنده، در هشت باب، بیش از ۲۰٪ از مجموع روایات باب، متفرد هستند. در مجموع این هشت باب، ۷۳۵ روایت ذکر شده که ۲۱٪ از مجموع روایات دعائم الاسلام می‌باشد. از این تعداد، نزدیک به ۲۵۰ روایت متفرد هستند که ۵۰٪ از مجموع متفردات دعائم الاسلام (حدود ۵۰۰ روایت) را شامل می‌شود. به بیان دیگر، نیمی از متفردات دعائم الاسلام، مربوط به این ۸ باب است که تنها ۲۱٪ از روایات کتاب را شامل می‌شوند و نیم باقیمانده مربوط به ۲۷ باب دیگر که ۷۹٪ از روایات کتاب را دربرمی‌گیرند. در جدول زیر این هشت باب، به ترتیب بالا بودن درصد تفرد مرتب شده‌اند.

جدول فراوانی متفردات قاضی نعمان

ردیف	عنوان باب	مجموع روایات باب	شمار متفردات	در صد تفرد نسبت به روایات باب
۱	کتاب القسمة و البنیان	۳۱	۳۰	۹۶/۷٪
۲	کتاب الغصب و التعدی	۱۴	۱۰	۷۱/۴٪
۳	کتاب آداب القضاء	۵۳	۲۵	۴۷/۱٪
۴	کتاب البيوع	۲۸۹	۸۵	۲۹/۴٪
۵	کتاب الجهاد	۱۶۴	۴۸	۲۹/۲٪
۶	کتاب الذبائح	۳۲	۹	۲۸/۱٪
۷	کتاب الزکاة	۱۱۰	۲۶	۲۳/۶٪
۸	کتاب الشهادات	۴۲	۸	۱۹٪

تأمل در عناوین این ابواب و مطالعه روایات آنها نشان می‌دهد فراوانی متفردات قاضی نعمان در موضوعاتی است که به مسائل قضائی و حکومتی مربوط هستند. به بیان دیگر، تمرکز روایات متفرد در *دعائم الاسلام* بر مباحث حقوقی و قضائی است که آحاد مردم در امور اجتماعی خود به آنها نیاز دارند. به عنوان نمونه قاضی نعمان روایاتی را در کتاب «القسمه و البنیان» آورده که تقریباً تمام آنها متفرد هستند و در هیچ یک از منابع روایی امامیه نقل نشده‌اند.^۱ موضوع بیشتر روایاتی که در ذیل این عنوان آمده، مسائل حقوقی و قضائی است که در تقسیم اراضی، املاک و محصولات کشاورزی برای مردم پیش می‌آید نظیر اختلافات دو همسایه، اختلافات در تقسیم خانه، تقسیم سهم آب زراعی، تقسیم زمین دارای درخت و مواردی از این دست که در روایات این باب مطرح شده‌اند (ر.ک: المغربي، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۹۹ تا ۵۹۶).

نمونه دیگر کتاب *الغصب و التعدی* است که در میان ابواب پُر تفرد، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. قاضی نعمان، روایات این باب را در ذیل دو عنوان «الغصب» و «التعدی» آورده است که در مفهوم آنها، ظلم و ستم به دیگران نهفته است. محتوای غالب روایاتی که به این عناوین اختصاص دارند، بیان حکم اختلافاتی است که در حال غصب بین مردم رخ می‌دهد؛ نظیر حکم ایجاد زیادت و نقصان در مال غصبی یا حکم تجاوز ملک شخصی به حریم عمومی (ر.ک: المغربي، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۸۵ - ۴۸۷). با توجه به این که هدف از مباحث قضایی برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم است، معارف موجود در روایات این باب نیز، در مباحث قضاوت و داوری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در میان ابواب کتاب *دعائم الاسلام*، بیشترین روایات متفرد به «باب بیع» اختصاص دارد. در این باب، ۸۵ روایت متفرد نقل شده است که در عمده آنها، فروعاتی برای حل

۱. به طور کلی عنوان «القسمه و البنیان» در عناوین موجود در آثار روایی امامیه یافت نشد. در میان فقهای امامیه نیز، فقط قاضی ابن‌براج در *المهذب* این عنوان را آورده که بر اساس قرائنی که گفته شد، احتمال گرفتن آن از *دعائم الاسلام* دور از انتظار نیست (ر.ک: ابن‌البراج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۷۳).

اختلاف بین طرفین معامله مطرح شده است. به عنوان نمونه در «کتاب الاجارات»، ۱۷ روایت متفرد نقل شده که ۱۴ روایت از آنها مناسب با مباحث قضاوت و در آنها فروعاتی درباره اختلافات بین موجر و مستأجر مطرح شده است (ر.ک: المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۴ - ۸۰). همچنین بابی با عنوان «الأقضية فی البیوع» آورده که در آن ۸ روایت متفرد پیرامون حل اختلافات مربوط به معاملات نقل شده است. در مجموع محتوای حدود ۵۵ روایت از متفردات باب بیع، مناسب با مباحث قضاوت هستند که در موضوعات مختلف معاملات مطرح شده‌اند.

بررسی محتوای متفردات گردآوری شده از دعائم الاسلام نشان می‌دهد بیش از ۱۱۰ روایت، مربوط به ابوابی است که عناوین آنها به صورت مستقیم با مسأله قضاوت مرتبط هستند^۱. افزون بر این، در ابواب مختلف کتاب، روایات متفردی نقل شده که مربوط به مسائل حقوقی و قضائی هستند. بر اساس شمارش نگارنده، شمار این متفردات نزدیک به ۸۰ روایت است^۲. در مجموع نزدیک به ۴۰٪ از مجموع متفردات دعائم الاسلام، مربوط به موضوعات قضائی است که نشان می‌دهد نگاه مؤلف به روایات باب قضا، یک نگاه تخصصی و جامع است.

افزون بر آنچه گذشت، دعائم الاسلام حاوی شماری از نامه‌ها و میراث مکتوب اهل بیت علیهم السلام است که حاوی دستورالعمل‌های حکومتی اهل بیت علیهم السلام است و برای استنباط قوانین حکومتی قابل استفاده می‌باشد. برخی از این موارد از متفردات دعائم

۱. عناوین این ابواب، همراه با شمار متفرداتشان عبارتند از: کتاب آداب القضاء (۲۵ روایت)، کتاب القسمة و البنیان (۳۰ روایت)، کتاب الديات (۱۵ روایت)، کتاب الحدود (۱۳ روایت)، کتاب الغصب و التعدی (۱۰ روایت)، کتاب الشهادات (۸ روایت)، کتاب الدعوی و البینات (۴ روایت)، کتاب الردة و البدعة (۲ روایت)، کتاب الفرائض (۲ روایت)، کتاب السراق و المحاربین (۲ روایت).

۲. عناوین این ابواب همراه با شمار متفرداتشان عبارتند از: کتاب البیوع (۵۵ روایت)، کتاب النکاح (۱۰ روایت)، کتاب العاریة و الودیعة (۸ روایت)، کتاب الطلاق (۲ روایت)، کتاب الوصایا (۲ روایت).

الاسلام هستند که از جمله آنها می‌توان به عهدنامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حاکمان و والیان^۱، نامه یا نامه‌های امام علی (علیه السلام) به والی اهواز^۲ و نامه امام علی (علیه السلام) به مخنف بن سلیم^۳ اشاره نمود. غالب بودن چنین موضوعاتی در متفردات دعائم الاسلام، با قرار داشتن قاضی نعمان در مناصب حکومتی و قضائی سازگار است و نشان می‌دهد وی بر اساس نیاز جامعه و دغدغه فکری خود به تألیف دعائم الاسلام اقدام نموده است.

۶. زمینه‌ها و علل تفرّد

با توجه به اهتمام عالمان امامیه نسبت به گردآوری روایات فقهی، متفرد بودن بیش از ۵۰۰ روایت در دعائم الاسلام عجیب به نظر می‌رسد؛ گرچه همگی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده و داری موضوعات فقهی است. بدون تردید یکی از عوامل تفرّد شماری از روایات دعائم الاسلام، اهتمام ویژه مؤلف به گردآوری روایات مناسب با مقام قضاوت و اداره حکومت است. بدیهی است در کتابی که اهتمام مؤلف به یک موضوع بیش از سایر موضوعات است، روایاتی یافت می‌شود که در آثار سایر مؤلفان مورد توجه قرار نگرفته است. افزون بر این، تفرّد شمار قابل توجهی از روایات دعائم الاسلام نسبت به حدیث امامیه، معلول عواملی است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. با وجودی که قسمتهای زیادی از این عهدنامه متفرد است، عبارتهای قابل توجهی از آن، شبیه به عهدنامه امیر مؤمنان (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵۰).

۲. این مکاتبات در سراسر کتاب به صورت پراکنده نقل شده است. بر اساس جستجوی نگارنده، قاضی نعمان این نامه‌ها را در ۱۵ فقره گزارش نموده است (ر.ک: المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ج ۲، ص ۳۶، ص ۳۸، ص ۱۷۶، ص ۲۵۸، ص ۴۰۴، ص ۴۴۲، ص ۴۴۵، ص ۴۸۷، ص ۴۹۹، ص ۵۳۰، ص ۵۳۱، ص ۵۳۲، ص ۵۳۴، ص ۵۳۷).

۳. این نامه مختصر به کارگزار جمع‌آوری زکات نوشته شده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵۹).

۶-۱. بهره‌گیری از مصادر ناشناخته

یکی از عوامل متفرد بودن شماری از روایات دعائم الاسلام، اعتماد مؤلف به مصادری است که در آثار محدثان و فهرست‌نگاران امامیه از آنها یاد نشده است. به عنوان نمونه یکی از متفردات کتاب الصلاة دعائم الاسلام، روایتی است که بر اساس آن خشوع در نماز به «غض البصر» تفسیر شده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۸). قاضی نعمان این روایت را از کتابی نقل نموده که در الايضاح از آن با عنوان «کتاب الصلاة من روایة ابي ذر احمد بن الحسين الاسباط» یاد نموده است (المغربی، ۱۴۲۸، ص ۱۴۹). در هیچ یک از منابع فهرستی موجود از این کتاب و مؤلفش معرفی صورت نگرفته است.^۱

در بازمانده مختصری که از کتاب الايضاح باقی مانده است، قاضی نعمان از کتاب‌هایی نظیر الجامع من کتب طاهرين زکریا بن الحسين، کتاب اصول مذاهب الشيعة من روایة محمد بن الصلت، کتب علی بن الحسين بن ورسند، کتاب یوم و لیل، المسند و ... یاد کرده است که نزد امامیه ناشناخته هستند.

۱. ابن شهر آشوب در معالم العلماء، از احمد بن الحسين الاسباط یاد کرده و ذیل نام او تنها نوشته است: «له کتاب الصلاة» (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۶۱، ش ۱۲۰). بر اساس برخی قرائن، ابن شهر آشوب این مطلب را از اطلاعات کتابشناختی موجود در الايضاح برگرفته و اطلاعات او از آثار رجالی و فهرستی نبوده است. گواه این مطلب آن است که وی در معالم العلماء، از کتاب الصلاة ابوذر احمد بن الحسين بن اسباط، کتاب الجامع طاهر بن زکریا بن الحسين، کتاب اصول مذاهب الشيعة محمد بن الصلت، کتب محمد بن سلام و کتاب القضايا احمد بن الحسين بن حفص یاد نموده که در منابع رجالی و فهرستی، اعم از شیعه و زیدیه و اهل سنت، یا از این افراد و آثارشان یاد نشده و یا چنین آثاری به آنها نسبت داده نشده است. اطلاعاتی که ابن شهر آشوب در مورد این افراد بیان می‌کند، دقیقاً در کتاب الايضاح موجود است و بیش از آن در معالم العلماء مطلبی ذکر نشده است. با توجه به دسترسی صاحب معالم العلماء به الايضاح، به احتمال قوی او این اطلاعات را از این کتاب دریافت کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱، ش ۸۵۳).

۶-۲. استفاده از منابع زیدیه

قاضی نعمان در کتاب الصلاة از دعائم الاسلام، حدود ۵۰۰ روایت نقل کرده است که ۴۳ حدیث از آنها متفرد هستند. از این ۴۳ روایت، ۲۳ روایات مربوط به باب‌های «ایجاب الصلاة»، «الرغائب فی الصلاة»، «مواقیت الصلاة»، «الاذان و الاقامة»، «المساجد»، «الامامة»، «الجماعة و الصفوف» و «صفات الصلاة» هستند که در بخش‌های باقی‌مانده از کتاب الايضاح، با ذکر سند و مصدر موجود است. بررسی مصادر این ۲۳ روایت در الايضاح نشان می‌دهد که قاضی نعمان ۸ روایت را از کتب محمد بن سلام گرفته است. به عنوان نمونه قاضی نعمان در دعائم الاسلام، مکروه بودن «تَسْتُرٌ»^۱ به وسیله شتر در نماز را به امیرمؤمنان (علیه السلام) نسبت داده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۰). وی منبع این روایت را در الايضاح، کتب محمد بن سلام ذکر کرده است (المغربی، ۱۴۲۸، ص ۱۰۴). در کتاب الايضاح، قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد کتب محمد بن سلام مجموعه‌ای از میراث زیدیه است.

از مهمترین این قرائن می‌توان به اسانید این کتاب‌ها اشاره نمود که برخی از آنها طرق مشهور و اختصاصی زیدیه هستند. به عنوان نمونه بر اساس اطلاعات موجود در کتاب الايضاح، سند «عن أبي جعفر محمد بن منصور المرادی عن أبي عبدالله أحمد بن عيسى بن زيد عن حسين بن علوان عن أبي خالد عمرو بن خالد الواسطي عن زيد عن آبائه» (المغربی، ۱۴۲۸، ص ۳۲، ص ۳۴، ص ۶۴، ص ۶۸، ص ۹۷، ص ۹۸ و ...)، یکی از اسانید این کتاب‌ها است. این سند از طرق مشهور نزد زیدیه است و شمار فراوانی از روایات کتاب الامالی احمد بن عیسی بن زید (از ائمه زیدیه) با این طریق گزارش شده است. همچنین برخی مطالب نقل شده از این کتب، به صورت مستقیم به افرادی نظیر زید بن علی، قاسم بن ابراهیم علوی، احمد بن عیسی بن زید و عبدالله بن موسی نسبت داده شده که همگی از بزرگان زیدیه به شمار

۱. به چیزی که در مقابل نمازگزار گذاشته می‌شود تا کسی در مقابلش عبور نکند، «سُتْرَة» گفته می‌شود؛ نظیر عصا، تازیانه، چوب و

می‌آیند (ر.ک: المغربی، ۱۴۲۸، ص ۲۹، ص ۳۴، ص ۳۵، ص ۳۷، ص ۳۸، ص ۴۶، ص ۴۷ و ...). شواهدی از این دست نشان می‌دهد یکی از عوامل تفرد شماری از روایات دعائم الاسلام، تکیه مؤلف به مصادر اختصاصی زبیده است که عالمان امامیه در تألیف مصادر و جوامع روایی از آنها پرهیز داشته‌اند.

۶-۳. دستیابی به نسخه‌های ناشناخته

یکی از عوامل مؤثر در تفرد روایات دعائم الاسلام، دستیابی قاضی نعمان به نسخه‌ها و روایاتی از کتب و مصادر حدیث اهل بیت علیهم السلام است که به احتمال زیاد در اختیار محدثان امامیه قرار نگرفته است. به عنوان نمونه، از ۲۳ روایت متفردی که در بخش‌های بازمانده از کتاب الايضاح موجود هستند، شش روایت مربوط به کتب الجعفریة است که در کتاب الجعفریات موجود، اثری از آنها نیست. کتاب الجعفریات، مجموعه روایاتی است که محمدبن محمدبن اشعث از موسی بن اسماعیل بن جعفر از اجداد طاهرینش نقل کرده است. قاضی نعمان برخی از متفردات را از این کتاب نقل نموده که اثری از آنها در کتاب الجعفریات نیست^۱. به عنوان نمونه می‌توان به روایت «ما آسی علی شی غیر ائی وددت ائی سالت رسول الله (ص) الاذان للحسن و الحسین» اشاره نمود که منبع آن در الايضاح، «الکتب الجعفریة» بیان شده است (المغربی، ۱۴۲۸، ص ۶۴؛ المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۴۴). قاضی نعمان این روایت را با سند «أبوعلی محمدبن محمدبن اشعث الکوفی، عن أبي حماد بن الحسين، عن وكيع بن الجراح عن عبيد الله بن الوليد عن عبد الله بن الحسن بن حسن بن علي» نقل نموده که با اسانید کتاب الجعفریات متفاوت است.

۱. بیشتر منقولات قاضی نعمان از این کتاب، با سند «أبوعلی محمدبن محمدبن اشعث عن موسی بن اسماعیل عن اسماعیل بن موسی عن ابیه موسی بن جعفر عند جده جعفر بن محمد علیه السلام» نقل شده است که با اسانید کتاب الجعفریات موجود مطابق می‌باشد.

این مطلب نشان می‌دهد نسخه موجود در نزد قاضی نعمان با نسخه شناخته شده نزد عالمان امامیه متفاوت بوده است.

۷. کارکرد متفردات دعائم الاسلام در فقه امامیه

بررسی متفردات دعائم الاسلام نشان می‌دهد قاضی نعمان در این کتاب، روایت‌گر آموزه‌هایی از اهل بیت علیهم السلام است که توجه به آنها از جهات گوناگون در فقه و معارف امامیه مؤثر خواهد بود. در حقیقت توجه به این روایات، سبب رفع برخی کاستی‌های موجود در معارف امامیه می‌شود. این مطلب سبب شده تا شماری از فقهای متأخر، با وجودی که دعائم الاسلام را به جهت ارسال روایات یا اسماعیلی بودن مؤلف معتبر ندانسته‌اند، در مباحث فقهی خود به روایات آن توجه کنند. در اینجا با چشم‌پوشی از ارسال اسانید متفردات این کتاب، به قابلیت‌های موجود در آنها برای غنی‌سازی فقه اهل بیت علیهم السلام می‌پردازیم:

۷-۱. ارائه عمومات روایی

با توجه به نقش عمومات روایی در استنباط احکام، فقها تلاش ویژه‌ای در گردآوری و تبیین آنها انجام می‌دهند. از این رو وجود عمومات روایی در متفردات دعائم الاسلام حائز اهمیت است و جایگاه آن در فقه اهل بیت علیهم السلام را بالا می‌برد. یکی از مهم‌ترین عمومات روایی دعائم الاسلام، روایتی از امام صادق علیه السلام است که در بحث مکاسب محرمه، مورد توجه فقها قرار گرفته است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۸). شیخ انصاری در ابتدای کتاب *المکاسب*، این روایت را به عنوان یکی از گزاره‌های ضابطه‌مند برای شناسایی خرید و فروش‌های حلال و حرام مطرح کرده است (الشیخ الانصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵). فقهای معاصر به پیروی از شیخ انصاری، در ابتدای مکاسب محرمه به این روایت استناد کرده و درباره سند و دلالت آن مباحث مفصلی مطرح کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: خویی، بی‌تا، ص ۲۷؛ المنتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۲؛ الروحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۲۰).

نمونه دیگر، مربوط به مسأله محرمیت رضاعی است. فقهای شیعه بر این باور هستند که محرمیت در صورتی حاصل می‌شود که زن از راه حلال صاحب شیر باشد و شیری که از راه حرام برای زن حاصل شود، موجب تحقق محرمیت نمی‌شود. واضح‌ترین مستند این دیدگاه، روایتی است که قاضی نعمان در *دعائم الاسلام* از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۳). این روایت مورد توجه فقهای متأخر واقع شده و در فتاوی خود به آن استناد کرده‌اند. مرحوم صاحب جواهر از این روایت به عنوان دلیل اول یاد کرده است (ر.ک: النجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۲۶۶).

۷-۲. مستند روایی برای فتاوی مشهور

در فقه امامیه مواردی وجود دارد که فقها در توجیه برخی فتاوی مشهور یا استنباط برخی احکام، به دلیل نیافتن مستند روایی به اصل عملی استناد کرده‌اند. این در حالی است که در میان متفردات *دعائم الاسلام* می‌توان مستندات روایی این موارد را پیدا نمود. به عنوان نمونه بر اساس فتاوی شهید اول اگر موجر و مستأجر در اصل عقد اجاره اختلاف کردند، منکر باید سوگند بخورد (الشهید الاول، ۱۴۱۱، ص ۱۴۲). شهید ثانی در توضیح این فتوا به اصل عملی استدلال کرده و بر این باور است که قول منکر همراه با قسم مقدم است؛ چه مالک باشد و چه نباشد (الشهید الثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۶۰). قاضی نعمان در *دعائم الاسلام* روایتی پیرامون اختلاف در اصل انعقاد اجاره نقل کرده که بر اساس آن در چنین اختلافی قول مالک مقدم است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۷). روشن است که با وجود این روایت، مجالی برای استفاده از اصل عملی برای توجیه فرع مذکور در کتاب *اللمعة الدمشقیة* وجود ندارد.

نمونه دیگر قبول شهادت انسان گنگ در مسائلی نظیر لعان است که فقهای امامیه برای آن به ادله غیرروایی استناد کرده‌اند. شیخ طوسی در برخی کتب خود، به صورت مجمل

ادله قبول شهادت اخرس را عمومات قرآنی، اجماع و اخبار امامیه بیان کرده است. ابن‌ادریس در این ادله با شیخ مخالفت کرده و بر این باور است که هیچ خبر و اجماعی در تأیید این مطلب یافت نمی‌شود (ر.ک: ابن‌ادریس الحلّی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۰۱). قاضی نعمان در *دعائم الاسلام* روایتی آورده که بر اساس آن، اشاره انسان گنگ جایز است. وی در تأیید محتوای این روایت به روایت دیگری اشاره می‌کند که بر اساس آن رسول خدا صلی الله علیه و آله، اشاره انسان گنگ را به منزله کلام او دانسته‌اند (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۱۰).

۷-۳. کمک به فرایند فهم حدیث

در میان متفردات *دعائم الاسلام*، روایاتی وجود دارد که در مقایسه با مصادر امامیه به صورت کامل‌تر نقل شده‌اند. از این روایات می‌توان در فهم بهتر روایات امامیه بهره گرفت. به عنوان نمونه، بر اساس روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام، قضای روزه ماه رمضان را نمی‌توان در دهه اول ماه ذی‌الحجه گرفت (الطوسی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۷۵، ش ۸۳۳). با توجه به تعارض محتوای این روایت با شماری از روایات موجود در منابع امامیه، شیخ طوسی این روایت را بر روزه حجاج مسافر حمل کرده و شیخ حر عاملی احتمال تقیه در مورد آن مطرح ساخته است (الطوسی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۷۶؛ الحر العاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۴۵). قاضی نعمان در *دعائم الاسلام*، این روایت را با نقل کامل‌تر آورده که راز نهی از قضای روزه ماه رمضان در این ایام را، اهمیت انجام مناسک ویژه این ماه بیان نموده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۰).

نمونه دیگر حدیث نبوی نهی از بیع غرری است که از عمومات پرکاربرد باب بیع به شمار می‌آید. شیخ صدوق این روایت را از امیرمؤمنان علیه السلام چنین نقل کرده است: «قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَرِّ وَ عَنِ بَيْعِ الْغَرَرِ» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۰، ش ۱۶۸). در کتب فقهی، مباحث مبسوطی پیرامون معنای «غرر» در این روایت مطرح شده است که از جمله می‌توان به کتاب *المکاسب* شیخ انصاری اشاره نمود (ر.ک: الشیخ

الانصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۵ - ۱۷۹). با وجودی که در هیچ یک از منابع روایی، روایتی که مراد از غرر را شرح دهد نیافتیم، در متفردات دعائم الاسلام روایتی از رسول خدا صلی الله و آله نقل شده که در آن مفهوم غرر نیز بیان شده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۱). این احتمال وجود دارد بیان مفهوم غرر در کتاب دعائم الاسلام، از توضیحات قاضی نعمان در شرح سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. در صورتی که این قسمت از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله یا امام صادق (علیه السلام) باشد، بیان مناسبی برای فهم روایات نهی از بیع غرری خواهد بود.

۷-۴. طرح فروعات فقهی جدید

در میان متفردات کتاب دعائم الاسلام، برخی فروعات فقهی جدید مطرح شده که نظیر آنها در منابع روایی امامیه یافت نمی‌شود. در حقیقت، اصل موضوع و برخی فروعات مربوط به آن در منابع امامیه وجود دارد که با ضمیمه نمودن فروعات جدید کتاب دعائم الاسلام به آنها، بر غنای مطلب افزوده خواهد شد. به عنوان نمونه در منابع روایی امامیه فروعات متعددی برای باب اجارات ذکر شده است که شیخ حر عاملی آنها را در ۳۵ عنوان تنظیم نموده است (ر.ک: الحر العاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۱۰۱ - ۱۶۱). با وجود فروعات گسترده موجود در کتاب وسائل الشیعة، ۱۷ روایت متفرد در دعائم الاسلام حاوی فروعات جدید در بحث اجاره هستند. برخی از این فروع عبارتند از: اجاره کردن خانه فرسوده یا خراب شده، اجاره خانه برای کاری که برای خانه یا همسایگان ضرر دارد، جواز اجاره دادن ملک مشاع، ادعای مستاجر مبنی بر امر صاحب خانه به ترمیم آن، باقی ماندن اثاث صاحب خانه در منزل اجاره داده شده، تصرفات غیرمجاز و مجاز در خانه اجاره‌ای، مشخص نکردن مقدار دقیق کار برای اجاره چارپا، اجاره دادن وسیله نقلیه برای حمل محرمات، اختلاف در مقصد وسیله نقلیه اجاره شده و ... (ر.ک: المغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۴ - ۸۰).

نمونه دیگر مسأله شکستن تخم شترمرغ، در حال احرام است که فروعاً گوناگونی در روایات برای آن مطرح شده است. قاضی نعمان در *دعائم الاسلام* روایتی را در این موضوع نقل نموده که افزون بر این فروع، حالت‌های جدیدی را در این موضوع طرح نموده است (المغربی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۰۷). صاحب *جوهر*، در بحث کفاره شکستن تخم شترمرغ، پس از بیان کامل نصوص روایی و فتاوی فقها در این موضوع، به جامعیت روایت *دعائم الاسلام* اشاره کرده و تفصیل آن را بی نظیر دانسته است (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۲۱۶).

* نتیجه‌گیری

در مجموعه کتاب *دعائم الاسلام*، ۳۴۵۵ روایت نقل شده است. شمار محدودی از روایات کتاب (کمتر از ۵۰ روایت)، مخالف با معارف پذیرفته شده نزد امامیه هستند. به جز این موارد، ۲۹۰۴ روایت در این مجموعه موجود است که آنها را به عنوان نقاط اتحاد حدیث *دعائم الاسلام* و حدیث امامیه می‌شناسیم؛ زیرا شماری از این روایات با الفاظ واحد یا متفاوت در منابع روایی امامیه گزارش شده‌اند و شمار دیگر نیز، از نظر مضمون نظائری در حدیث امامیه دارند. در مجموع ۸۴ درصد از روایات این کتاب همسو و متحد با روایات امامیه است. این آمار بیانگر نزدیکی محتوای این کتاب به حدیث امامیه است. بیش از ۵۰۰ روایت (۱۴ درصد)، متفردات حدیث قاضی نعمان نسبت به حدیث امامیه هستند که اثری از آنها در منابع روایی امامیه به چشم نمی‌خورد. بر اساس پژوهش حاضر، نتایج زیر درباره متفردات *دعائم الاسلام* به دست می‌آید:

۱. کتاب *دعائم الاسلام* در طول تاریخ، از منظر فقهای امامیه دور نبوده است؛ ولی به دلیل انتساب به فرقه اسماعیلیه، تا پیش از پیدایش جریان اخباری‌گری جایگاهی در فقه امامیه نداشته است. پس از آن، به خاطر رویکرد دانشمندان امامیه نسبت به حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام، با فراز و فرودهایی در کنار سایر منابع فقه امامیه مورد توجه قرار گرفته است.

۲. در متفردات دعائم الاسلام نشانه‌های فساد مذهب وجود ندارد و وجود روایات متفرد در احادیث او، معلول عواملی است که مهمترین آنها، اهتمام ویژه مؤلف به گردآوری روایات باب قضا است. اهتمام ویژه مؤلف به گردآوری روایات یک موضوع خاص، در کنار بهره‌گیری او از مصادر روایی زبده و برخی مصادر ناشناخته نزد امامیه، عامل فراوانی شمار متفردات این کتاب نسبت به حدیث امامیه گردیده است.
۳. در نظر داشتن عملکرد فقهای متأخر از یکسو، و مقایسه روایات دعائم الاسلام با حدیث امامیه از دیگر سو، بیانگر آن است که کارکرد روایات آن در فقه و حدیث امامیه محدود به «تأیید و تأکید معارف» نیست؛ بلکه می‌توان از آنها به عنوان «مکمل معارف امامیه» بهره گرفت.
۴. آنچه با عنوان میراث حدیث اسماعیلیه در کتاب دعائم الاسلام بر جای مانده، به حدیث امامیه نزدیک است و جز در موارد اندک و قابل شناسایی تقابلی با آن ندارد.

منابع

۱. ابن‌ادریس الحلی، محمدبن منصور (۱۴۱۱ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن‌البراج، القاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*، تحقیق: مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. ابن‌بابویه، محمدبن علی بن‌الحسین (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ق). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۴. ابن‌شهر آشوب، محمدبن علی (۱۳۸۰ق). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین قدیما و حدیثا*، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: المطبعة الحیدریه.
۵. احمدبن عیسی بن‌زید (بی‌تا). *الأمالی (رأب الصدع)*، تحقیق: علی بن اسماعیل بن عبد الله، بیروت: دار النفاثس.
۶. اراکی، محمدعلی (۱۴۲۱ق). *کتاب الصلاة*، قم: مکتب المؤلف.

٧. الافندی، میرزا عبدالله (١٤٠١ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: السید احمد الحسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
٨. بحر العلوم، محمدمهدی (١٣٦٣ش). *الفوائد الرجالية*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، قم: مکتبه الصادق.
٩. بحرانی، یوسف بن احمد (١٤٠٥ق). *الحدائق الناضرة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
١٠. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (بی تا). *كشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
١١. الحر العاملی، محمد بن الحسن (١٤١٤ق). *تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
١٢. خویی، ابوالقاسم (بی تا). *مصباح الفقاهة فی المعاملات*، قم: مکتبه الداوری.
١٣. خویی، ابوالقاسم (١٤١٣ق). *معجم رجال الحديث*، تهران: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.
١٤. روحانی، السید محمد صادق (١٤١٢ق). *فقه الصادق علیه السلام*، قم: مؤسسه دار الكتاب.
١٥. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (١٤٢٨ق). *کتاب الطهارة*، تحقیق: لجنة تحقیق تراث الشيخ الاعظم، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
١٦. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (١٤١٥ق). *کتاب المكاسب*، تحقیق: لجنة تحقیق تراث الشيخ الاعظم، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
١٧. طباطبایی، سید عبدالعزیز (١٤١٦ق). مکتبه العلامة الكراچکی، *مجلة تراثنا*، شماره ٣ و ٤، صص ٣٦٢-٤٠٤.
١٨. طوسی، محمد بن الحسن (شیخ طوسی) (١٣٦٤ش). *تهذیب الاحکام*، تحقیق: السید حسن الموسوی، تهران: دار الكتب الاسلامیة.
١٩. عاملی جبعی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (١٤١٠ق). *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، قم: داوری.
٢٠. فاضل الهندی، محمد بن الحسن (١٤١٦ق). *كشف اللثام و الإيهام عن قواعد الأحكام*، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
٢١. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤٠٣ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
٢٢. المغربي، نعمان بن محمد بن منصور (قاضی نعمان) (١٩٩٦م). *المجالس و المسایرات*، تحقیق: الحبيب الفقی، ابراهیم شيوخ و محمد الیغلاوی، بیروت: دار المنتظر.
٢٣. المغربي، نعمان بن محمد بن منصور (قاضی نعمان) (١٤٢٨ق). *الایضاح*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

۲۴. المغربي، نعمان بن محمد بن منصور (قاضی نعمان) (۱۳۸۳ق). *دعائم الاسلام*، تحقیق: آصف فیضی، قاهره: دار المعارف.
۲۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی المكاسب المحرمة*، قم: نشر تفکر.
۲۶. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول) (۱۴۱۱ق). *اللمعة الدمشقية*، قم: دار الفکر.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق). *المکاسب المحرمة*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷ش). *جواهر الکلام*، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۶ق). *خاتمة مستدرک الوسائل*، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

References

1. Ibn Idris al-Hillī. Muhammad bin Mansour (1411 AH). *al-Sarā'ir al-Hāwī li Tahrīr al-Fatāwī*. Qom: Islamic Publishing Institue. [In Arabic]
2. Ibn al-Burāj. al-Qazi Abd al-Aziz (1406 AH). *al-Muhazzab*. [Research: Sayyid al-Shuhadā' Al-'Imīyeh Institute.] Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
3. Ibn Bābiwayh (Sadouq). Muhammad bin Ali bin Al-Hussein (1404 A.H). *'Oyoun Akhbar al-Reza (as)*. Beirut: Al-Ā'lamī Institute. [In Arabic]
4. Ibn Shahr Āshoub. Muhammad Bin Ali (1380 AH). *Ma'alim al-'Ulamā*. Research: Muhammad Sadiq Bahr al-Uloom. Najaf Ashraf: Al-Haydariya. [In Arabic]
5. Ahmad bin Isa bin Zayd (nd). *al-Amālī (Ra'b al-Sada')*. Research: Ali bin Ismail bin Abdullah. Beirut: Dar al-Nafā'is. [In Arabic]
6. Araki. Muhammad Ali (1421 AH). *Kitab al-Salāt*. Qom: Author's Library. [In Arabic]
7. Al-Afandī. Mirza Abdullah (1401 AH). *Ryād al-'Ulamā and Hayād al-Fuzalā*. Research: Al-Sayyid Ahmad al-Husseini. Qom: Ayatollah Marashi's Library. [In Arabic]
8. Bahr al-'Uloom. Mohammad Mahdi (1984). *al-Fawā'id al-Rejālīya*. Research: Mohammad Sadiq Bahr al-Uloom. Qom: Al-Sadiq Library. [In Arabic]
9. Bahrānī. Yusuf bin Ahmad (1405 AH). *Al-Hadā'iq al-Nāzirah*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [In Arabic]
10. Haji Khalīfa. Mustafa bin Abdullah (nd). *Kashf Al-Zunoun a'n Asāmī Al-Kutub wa al-Funoun*. Beirut: Dar 'Ihyā al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
11. Al-Hurr Al-Āmilī. Muhammad bin Al-Hassan (1414 AH). *Tafsil al-Wasā'il al-Shi'a ela Tahsil al-Masael al-Shari'a*. Qom: Āl- al-Bayt Foundation (as). [In Arabic]

12. Khoei. Abu al-Qasim (nd). *Mesbah al-Feqāhah fī al-Moā'milāt*. Qom: Al-Davari Library. [In Arabic]
13. Khoei. Abu al-Qasim (1413 AH). *Mo'jam Rejāl al-Hadith*. Tehran: Islamic Culture Publishing Center. [In Arabic]
14. Rouhani. Al-Sayyid Mohammad Sadiq (1412 AH). *Fiqh Al-Sadiq (as)*. Qom: Dar Al-Kitab Foundation. [In Arabic]
15. Sheikh Ansari. Mortaza bin Muhammad Amin (1428 AH). *Kitāb al-Tahōrah*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
16. Sheikh Ansari. Mortaza bin Muhammad Amin (1415 AH). *Kitāb al-Makāsib*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
17. Tabataba'ei. Al-Sayyid Abdul-Aziz (1416 AH). "Maktabah 'Allāma Al-Karājaki". *Journal Of Turāthuna*. No. 44. [In Arabic]
18. Tousī. Muhammad bin al-Hassan (1407 AH). *Tahzīb al-Aḥkām*. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamīyyah. [In Arabic]
19. Ameli Juba'ī. Zain al-Din Ali bin Ahmad (Shahid Thāni) (1410 AH). *Al-Rawza al-Bahīya fī Sharh al-Luma' al-Damishqīya*. Qom: Al-Davari Library. [In Arabic]
20. Fadil al-Hendi. Muhammad Ibn al-Hassan (1416 AH). *Kashf al-Lethām. Research: Al-Nashar al-Islami Foundation*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. [In Arabic]
21. Majlisī. Mohammad Baqer (1403 AH). *Behār al-Anwār*. Beirut: Dar 'Ihyā al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
22. Al-Maghribī (Qazi Numan). Al-Numan bin Muhammad bin Mansour (1996). *Al-Majālis wa al-Musāyirāt*. Research: Al-Habib al-Faqi. Ebrahim Shabouh and Muhammad Alighalawi. Beirut: Dar al-Muntazar. [In Arabic]
23. Al-Maghribī (Qadi Numan). Al-Nu'man bin Muhammad bin Mansour (1428 AH). *Al-Idāh*. Beirut: Al-'A'lamī Institute. [In Arabic]
24. Al-Maghribī (Qazi Numan). al-Numan bin Muhammad bin Mansour (1383 AH). *Da'ā'im al-Islam*. Research by Asif Faizi. Cairo: Dar al-Ma'rafa. [In Arabic]

25. Muntazeri. Hossein Ali (1415 AH). *Derāsāt fī al-Makāsib al-Muharamah*. Qom: Tafakkur. [In Arabic]
26. Maki Āmilī. Muhammad bin Jamal al-Din (Shaheed Awwal). (1411 AH). *Al-Luma' al-Damishqīyah*. Qom: Dar al-Fikr. [In Arabic]
27. Musawi Al-Khomeini. Seyyed Ruhollah (1410 AH). *Al-Makāsib al-Muharamah*. Qom: Ismā'īlīyān Foundation. [In Arabic]
28. Najafi. Mohammad Hassan (1367 SH). *Jawāhir Al-Kalam*. Research: Abbas Al-Qouchani. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamīyyah. [In Arabic]
29. Noori. Hossein bin Muhammad Taqi (1416 AH). *Khatamah Mustadrak al-Wasā'il*. Qom: Āl al-Bayt Foundation (as). [In Arabic]